

اشعار آقای احمد دولتخواه مثنوی موشح درمورد اخلاق پزشکی

که مجموع حروف اول پروفیسور محمد حسین سلطان زاده می شود

اول آذر ۱۴۰۱

پ - پیام پیرطب درد نوزاد

ر - رهی را در طبابت رهنما شد

و - وقار و مهربانی شور و امید

ف - فضای صحن درمان را به اخلاق

س - سرود زندگی را وقت درمان

و - وضو با عطر شبیم از رخ گل

ر - رفیق ناخوشان زار خود شد

م - محبت با طبابت وقت دشوار

ح - حروف اول ابیات ، برگیر

م - مرید جمع پیشتازان خود شد

د - دیار یزد اگر اورا وطن شد

ح - حمایت های وی در شهر دیلم

س - سرا پا غرق همت گشته استاد

ی - یکی از حامیان مردمان شد

ن - نمیرد گر که سلطان زاده درویش

س - سحر تا شامگاهان بهر نوزاد

ل - لباس کار درمان را بپوشد

ط - طواف دل نماید همچو عاشق

ا - الهی تا ابد نامش بماند

ن - نمازش چون نماز عارفان است

بزرگ اندیشه ای بر رهروان داد

در آن ره هرکه را مشکل گشا شد

نموده جاده اش روشن چو خورشید

شکופا کرده وی بر گرد آفاق

نموده هدیه بر اطفال نالان

گرفته در کنار شور بلبل

خریدار غم بیمار خود شد

شد اورا درمانگری یار

کنی تا شعر این استاد ، تفسیر

مراد و یار شاگردان خود شد

ولی شیدای ایران کهن شد

نهاد زخم جان خلق ، مرهم

که تا درمانگهی را کرده بنیاد

همیشه خنده بر لب مهربان شد

شود بهر نجات خلق ، دلریش

برای یاریش با چهره ای شاد

پی یاری آن گلها بکوشد

خدا بر این طوافش کرده لایق

کتابش را هر آن عاشق بخواند

خدا بر خدمتش از شاهدان است

ز - زمانه کم چنین یاران ببیند که هر نطقش به جان و دل نشیند

ا - اساس حسن کارش خلق نیکوست طبیب این چنین ، باشد چنان دوست

د - دل هر ناخوشش خرسند ، بنمود زجان براین عزیز ، استاد ، بدرد

ه - همای شعر دولت شد به پرواز که در آغاز ابیاتش بود راز

تقدیم به استاد طب نوزادان ، پروفیسور محمد حسین سلطان زاده ارادتمند

احمد دولتخواه شاعر معاصر ، مجری و مدیر برنامه های هنری